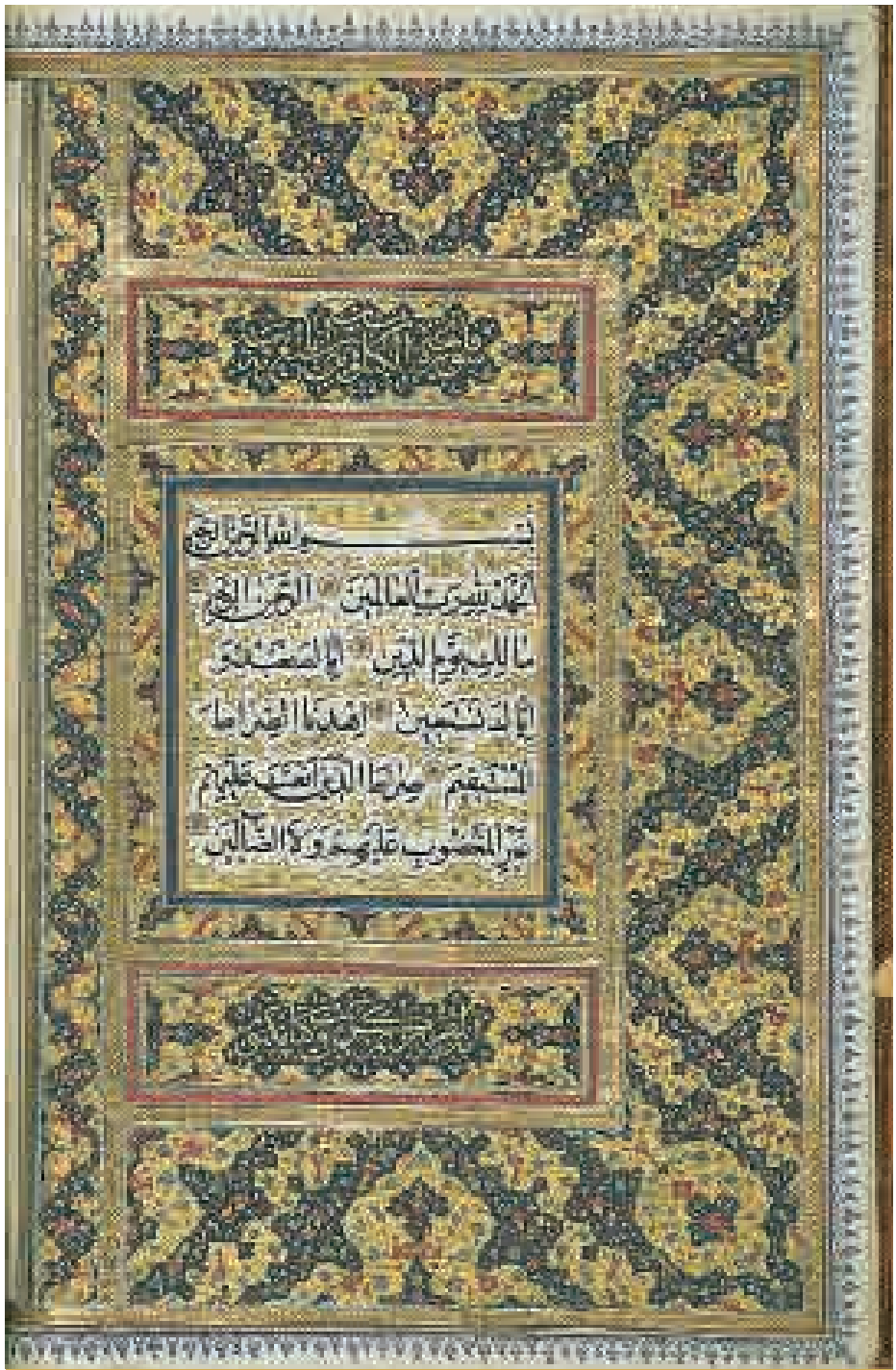

وارث هنـر دوران تیموری و ترکمـانان

تذهیب در عهد صفوی و معرفی چند نسخه نفیس از مجموعه آستان قدس رضوی

حسین رزاقی، محمد مهدی صحراگرد

چکیده:
تذهیب دوره صفوی به لحاظ سبک و سیاق، ادامه همان سنتهای دوره پیش، یعنی شیوه خراسان تیموری و تبریز ترکمانان بود و تفاوتش با آنها در این بود که در قرن دهم این دو شیوه در هم آمیخت و سبک تذهیب صفوی را پدید آورد. اطلاعات کمی از هنرمندان تذهیب این دوره در دست است و نام اندک هنرمندان این دوره از ترقیمه برخی از نسخه ها به دست میآید. برای به دست آوردن آگاهی بیشتر درباره تذهیب دوره صفوی لازم است آثار بیشتری مورد بررسی قرار گیرد که در این مقاله ضمن بررسی مختصری از تذهیب دوره صفوی شماری از نسخه های قرآنی مذهب محفوظ در مجموعه آستان قدس رضوی معرفی می شود.

مقدمه

هرچند با تغییر وضع سیاسی ایران در آستانه قرن دهم هجری و انتقال قدرت از ترکمانان در غرب و تیموریان در شرق کشور به صفویان و همچنین رسمی شدن مذهب شیعه، تحولی عظیم در عرصه سیاست و به ویژه مذهب پدید آمد و انتظار می رود این تغییرات در عرصه حمایت هنر و سفارش آثار هنری مؤثر افتد، اما باید اعتراف کرد به رغم این تغییرات، روند تکامل و تحولات هنری دست کم در عرصه کتاب آرایی چندان تغییری نیافت و هنرمندان صفوی در واقع وارث هنر دوران تیموری و ترکمانان بودند. اما زد و خوردهای سیاسی در غرب با عثمانیان و در شرق با ازبکان و همچنین وضع سیاست داخلی، در تغییر مراکز هنری و شکوفایی و رکود برخی از شهرها مؤثر بود. مثلاً تبریز که در قرن نهم یکی از مهمترین مراکز هنری ایران بود، شکوفایی اش تنها تا زمان انتقال پایتخت صفویان به قزوین(۹۵۵ق) پایید و از آن پس به هیچ روی شکوفا نشد. در این میان، شهرهایی همچون قزوین، مشهد و حتی یزد و کرمان که تا پیش از این چندان شکوفا نبودند، در برهه هایی از تاریخ به مراکز مهم هنری تبدیل شدند. اما در این میان، شیراز همچنان برقرار بود. چنان که در دورههای پیش نیز از مراکز مهم کتابآرایی به شمار میرفت. مرکزیت شیراز دست کم از آغاز قرن هشتم تا پایان قرن دهم هجری روندی مداوم داشت. از دوره فرمانروایی اتابکان، آل اینجو و آل مظفر، و همچنین دوران درخشان تیموری – اسکندر سلطان و ابراهیم سلطان- و پس از آن در دوره ترکمانان، شیراز همواره مرکزی برای تولید نسخه های نفیس و صاحب شیوه خاصی در کتابآرایی بود. بنابراین با توجه به این سیر تدریجی و مداوم تحولات هنری در این عرصه، اگر بخواهیم وضع هنرهای مرتبط با کتاب آرایی مانند تذهیب را در دوره صفوی بررسی کنیم، باید به دنبال تحولاتی باشیم که ادامه همان سنتهای کتاب آرایی دوره پیشین است.

مختصری درباره تذهیب در دوره صفوی

در ادامه روند تکامل و تحول تذهیب در آغاز دوره صفوی، سبکهای جدیدی در کتاب آرایی شامل مصور سازی کتب و تذهیب نسخهها پدید آمد. در نخستین دهه های قرن دهم، سبک ترکمانان که مخصوص تبریز و شیراز نیمه قرن نهم بود، رفته رفته جای خود را به سبک جدیدی داد که آمیزه ای از هنر تیموریان - یا شیوه خراسان- و ترکمانان بود.(جیمز، ۱۱۳:۱۳۸۱) این تلفیق در مصورسازی هم روی داد که نتیجه آن پدید آمدن مکتب تبریز دوم بود. در این دوره میان تذهیب قرآن و دیگر کتب تفاوت چندانی نبود. بررسی چگونگی تکامل تذهیب در این دوره، به سبب نبود آثار رقمدار کاری مشکل است زیراکه اغلب، نام کاتب و مذهب نسخه های قرآنی این دوره نامعلوم است و سندی وجود ندارد که محل کتابت و تذهیب یا نام سفارش دهنده نسخه ها را مشخص کرده باشد. اما در نسخه ه ای غیر مذهبی، معمولاً نام کاتب و مُذهّب و برخی از دیگر اطلاعات وجود دارد. (جیمز، ۱۳۸۱: ۱۱۳) ویژگی کلی نسخه های این قرن بدین گونه است که اولاً متن آنها با آمیزهای از خطوط مختلف شامل ثلث و محقق، در کتیبه های بزرگ اغلب در بالا و پایین و گاه وسط صفحه نوشته شده و بقیه متن به خطوط خفی مانند ریحان و نسخ است که در بین کتیبه ها جای گرفته است. این ویژگی را در نسخه های قرن نهم نیز به وفور میتوان دید. با این تفاوت که در نمونه های قرن نهم شیراز و خراسان، تنوع صفحهآرایی بسیار بیشتر است. (صحراگرد، ۱۳۸۷، ۲۴و۲۵) گویی هنرمندان قرن دهم از آزمون سبکهای مختلف هنرمندان قرن نهم بهره گرفته و یک شیوه مشخصی را پی افکنده و در همه آثار، آن را به کار گرفتند.

از ابداعات دیگر تذهیب در این دوره، باید به افزودن صفحاتی به قرآن اشاره کرد که غالباً در بردارنده تذهیبهای پرکار و مجلل است. این صفحات عبارت است از صفحهای در بردارنده ترنجی تذهیب شده که عباراتی از قرآن در خود دارد و این عبارات غالباً به مسئله شان نزول قرآن و لمس آن با بدنی پاک دلالت میکند. (لینگز، ۱۳۷۷، ۱۲) افزون بر اینها، در این دوره رسم بر این بود که دعای ختم و فالنامه را نیز به صفحات پایانی بیفزایند که این صفحات نیز دربردارنده تذهیبهایی پرکار است. دعای ختم، مربوط به پایان قرائت متن قرآن است و فال نامه نیز نموداری از حروف عربی است که توضیح آن غالباً به زبان فارسی است و سعد و نحس طالع را در ارتباط با حروف بیان میکند. (جیمز، ۱۳۸۱ :۱۱۵)

به نظر میرسد اگر بخواهیم یکی دیگر از ابداعات و تحولات تذهیب در زمینه طراحی را در این دوره مطرح کنیم، باید از تلفیق عناصر اسلیمی و ختایی در یک فضا یاد کرد. اگر نمونه های پیش از دوره صفوی بررسی شود، به ویژه آثار مربوط به هرات، خواهیم دید در این آثار، هنرمندان در یک صفحه مُذهّب، بخشهای جداگانهای از صفحه را به نقوش اسلیمی و ختایی اختصاص داده اند. (صحراگرد، ۱۳۸۹) این در حالی است که در قرن دهم فضای صفحه همگی پر از نقوش اسلیمی و ختایی است که با تفوق نقش اسلیمی در کنار هم قرار گرفته اند. این خصوصیت تا کنون نیز رایج است و سابقه آن به همین دوره میرسد.

چنان که پیشتر گفته شد از آنجا که نسخه های دارای ترقیمه این دوران انگشتشمار است، آگاهی های ما درباره هنرمندان بسیار محدود است. یکی از مهمترین مُذهّبان این عصر، میرعضد است که نام خود را غالباً با

«عضدالمذهّب» رقم زده اســت و نسخه ای از دیوان امیر خسرو دهلوی را در شــیراز تذهیب کرده است. (ریشارد، ۱۳۸۳: ۱۱۴) همچنین برخی از هنرمندان مانند «شیخی»، «محمــود»، و «حســین» نیــز رقمهایــی همــراه با لقب «مُذهّب» دارند، ولی اطلاعات بیشــتری از آنان در دست نیســت. همچنین هنرمندی به نــام «غیاث الدین مُذهّب مشــهدی» را می توان نام برد که در سال ۹۰۸ق، تذهیب منظومه ای از ســنایی را به عهده داشــته است (ریشارد، ۱۳۸۳: ۱۲۶).

اما یکی از مذهبان مشــهور این عصر، «روزبهان شیرازی» اســت که در حــدود ســالهای ۹۵۴ - ۹۲۰ ق در شــیراز فعالیت میکرد و چندین نســخه از او به جا مانده اســت. او در خوشنویســی و تذهیب مهارت داشت و نسخه‌های به جا مانده از او گــواه مهارتش در اجرای دقیق تذهیب و خوشنویسی است. از آن جمله میتوان از قرآن کتابخانه چســتربیتی یاد کرد کــه تذهیبــش دارای ترکیب بندیهای مختلف شــامل نقش طوماری اســلیمی مواج و رنگارنگ بر زمینه های دندان موشــی سبز و زرد و آبی و قهوه‌ای اســت. (جیمز، ۱۳۸۱: ۱۴۹) او در یکــی از آثارش خود را «روزبهــان بن حاجی نعیــم الدین کاتــب» معرفی کرده اســت. از این رو بی شــک او فرزند نعیــم الدین یکی از خوشنویســان مشــهور شــیراز در اوایل قرن دهم هجری شــیراز اســت. و نعیمالدین نیز در یکی از آثارش خود را «نعیم الدین بن صدر الدین مُذهّب» معرفی کرده اســت (جیمز، ۱۳۸۱: ۱۴۵)که در این صورت مشــخص می شود در درجه نخســت، پدران روزبهان، خوشــنویس و مذهب بــوده اند و دیگر اینکــه صدرالدین نام یکــی از مذهبان دیگر شــیراز اســت که احتمالاً در اواخر قرن نهم و اوایل قــرن دهم هجری یعنی آغاز دوران صفویه در شــیراز می زیســته است. (صحراگرد، ۱۳۸۷: ۵۹)

آنچه گفته شــد مربــوط به وضع تذهیــب و کتابآرایی در قــرن دهــم، یعنــی آغــاز صفویه و شــکوفایی هنر ایران است که بی شــک بر ابداعات هنرمندان تیموری و ترکــمان اســتوار بود. اما پس از قــرن دهم در زمینه

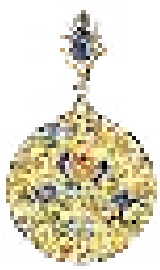

کتاب آرایی دگرگونی هایی رخ داد که آن نتیجه کم شدن حمایتهای درباری و ثروتمندان وابسته به دربار از کتابت و تهیه نسخه های مجلل است. این مسئله که در واقع نوعی ضعف در حمایت هنری به شمار میرود، تاثیری شگرف بر کتاب آرایی به جا گذاشت. در نتیجه این امر، اولاً اندازه نسخه ها به قطعه ای کوچک گرایید و به تبع آن از رواج قلم های درشت اندام مانند ثلث و محقق در کتابت نسخه ها به طرز چشمگیری کاسته شد و در عوض بیشتر نسخه های قرآنی به خط نسخ و گاه ریحان کتابت میشد. دیگر اینکه مذهبان، صفحات کمتری از نسخه ها را به تذهیبهای مجلل آراستند. از نظر طراحی نیز سبکی غالب شد که در قرن دهم شکل گرفت و کمتر ابداع و خلاقیتی در آن پدید آمد. این مسئله سبب نوعی رکود در کتاب آرایی شد. اما رونق دوباره کتابت و تهیه نسخه های قرآنی در دوران شاه سلطان حسین صفوی پدید آمد که نتیجه آن ظهور خوشنویسانی همچون میرزا احمد نیریزی (بیانی، ۱۳۱۳۸۲: ۱۲۸) بود که این بحث خود نیازمند مجال دیگری است.

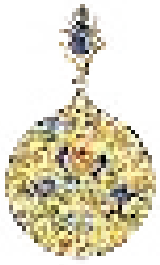

کتاب نامه

بیانی، منیژه و دیگران. کمال آراستگی، ترجمه پیام بهتاش، تهران، کارنگ، ۱۳۸۲.

جیمز، دیوید. پس از تیمور، ترجمه پیام بهتاش، تهران، کارنگ، ۱۳۸۱.

ریشارد، فرانسیس. جلوههای هنر پارسی، ترجمه ع. روح بخشان، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۳.

صحراگرد، مهدی. مصحف روشن (معرفی نسخه های خطی در موزههای شیراز)، تهران، فرهنگستان هنر، ۱۳۸۷.

«تذهیب خراسان در دوره تیموری»، در: هنرنامه،

لینگز، مارتین. هنر خط و تذهیب قرآنی، ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، تهران، گروس، ۱۳۷۷.